

# نویسد

((فوق العاده))

(وابسته به حزب سوده ایران)

شماره ۱۰۰ شنبه ۵ آذر ماه ۱۳۵۶

## توطئه جدید رژیم شاه - ساواک

هجوم سگهای درنده و هار حکومتی به اجتماع آرام و مسالمت آمیز مردم در کاروانسراستکی (جاده کرج) بزرگ دیگری بر کتک قاطر و خونین جلاد تا حدار ایران رژیم اقمی صفت و خدمتگزار و مخد خلق او افزود. اما این بار این هجوم رسوا و پشت نقاب تازهای از تزویر و ریا انجام گرفت.

در حدود ۲۵ نفر جمعیتی که روز سه شنبه اول از ماه برای شرکت در مراسم جشن عید قربان و استماع سخنرانی تن چند از رهبران مذهبی و شخصیت های ملی در باغی واقع در کاروانسراستکی اجتماع کرده بودند به ناگهان مورد یورش غافلگیرانه چماق بدست ها و چاقو کشان عریده جوئی که در باغ را شکسته و از دیوارها بالا آمده بودند قرار گرفتند. پیش از آنکه بهت و ناباوری ناشی از این گرگ صفتی بی بهانه فرو نیشیند، صد ها سر و دست و پای شکسته و در آنها جمد نیمه جان و غرقه در خون در فضائی آکنده از دشت و ناله و بانگ خشم و اعتراض بر جای ماند. چماق بدست های شاه صدها اتومبیلی را نیز که مردم بوسیله آنها به کاروانسراستکی رفته بودند خرد کردند و در هم شکستند.

فردای روز جنایت روزنامه تنای فرمایشی که پنداری به حقیقت و مردم اعلام جنگ داده اند و با وقاحتی که تنها در خور آنهاست از زرد و خرد نگاران با یکضت دشمن و ظن که گویا شعارهای غم میهنی میدادند و خبر دادند. تحریف و سلاخی حقیقتها هنر جلادان و روسپیان سیاسی است. و رژیمی که روی سرانگشت های خون الود جلادان میگردد جز پناه بردن پشت دروغهای چنین سفیف چه چاره ای دارد؟ اما از قدیم گفته اند که جتن خائف و دروغگو کم حافظه میشود. فوران چرکاب کذب و ریا از لابلای همان خبر فرمایشی روزنامه های سرسپرده و ساواک زده بخوبی آشکار بود. مردمی که با شصدها بازیهای عامیانه و جنایات و دغلاکریهای رژیم شاه - ساواک آشنائی در پینه دارند و با طعنه و ریشخند میپرسیدند:

- در روز تعطیل رسمی این به اصطلاح ۲۰۰ کارگر کجا بودند؟ مگر کارگران با اتومبیلهای در دست شرکت واحد و اتومبیلهای نیروی هوایی به سر کار میروند و یا از کارخانه برمیگردند؟ عجب! همه این ۲۰۰ کارگر نما از پیش با چماقهای یک شکل و زنجیر و بیاق و پنجه بوکس مسلح بودند همه آنها با رو بند مخصوصی بسته بودند و آرایش سرهایشان بسبک ارتشیان بود. حتی اکثر آنها کاپشن های امریکائی بر تن داشتند و بسیاری نیز فراموش کرده بودند پوتین های امریکائی خود را عوض کنند.

آگاهان حوادث در کنایه های خود گوئی پوزخند تسخر میزنند. کافی است حادثه ها را کنار هم قرار دهیم تا مشت دروغگو یا حرفه های میوه زبانی که با بیشرمی سنگ مردم را به سینه میزنند باز شود. کارگزاران شریف ایران و همه مردم در پند زاده و آگاه که ۲۴ سال است سرنیزه کودتاگران را زیر گوی خود احساس میکنند، هنوز خاطره قتل عام کارگران زخمکش جهان جیت را توسط ژاندارم های شاه فراموش نکرده اند. از دشمنان شاه درست در همین کاروانسراستکی که شاهد وقایع اخیر بود مسلسل ها را بسوی صفوف اراک کارگران آتش کردند و از خون پاک آنها شقایق های سوزان و داغداری را روی خاکهای جاده کرج و در واقع در قلب طبقه کارگر ایران رویاندند. و حالا همان قاتلان بی انرم ادعا میکنند که کارگران ایران به حمایت از جلاد خود با خواندن و برادران و فرزندان خویش در آویخته اند و آنها را به خاک و خون کشیدند. زخم و قاحت!

گدی نویسان ساواک و ساواک زدگان روزنامه نویسی هرگز قادر نبودند مضحک تر و شاخدارتر از این افسانه ای خلق کنند. رژیمی که دستهایش تا مرقع به خون شهدای کارگراشته است کارگران زخمکش مبارز - این خونی ترین دشمن بساطتنگین خود را - سربازان و فدائیان جان به کف خویش معرفی میکند. رژیمی که تظاهرات حق جزایه هزاران کارگر ریسند و شاهسی را با گوله جواب میدهد و اعتصاب کارگران جیت تهران را در جاده ارامگاه در خون غرق میسازد و اجتماع اعتراضی کارگران - کوره پزخانه ها را به گلوله می بندد و با غرور حرکت و مقاومت کارگری را با روت و زندان و اخراج های دسته جمعی مقابله میکند اینک در نهایت سناست می خواهد در انتظار قربانیان خود را تکیه گاه خود بنامد. اما مردم ما این سبیه ها را می شناسند. کارگران مبارز و آگاه ایران که میزان نزدیکی و الفت رژیم شاه ساواک را با خود در آئین نامه انضباطی خشن و خرد کارگری اخیر و چماق حاضر و آماده آورده. در هر حرکت حق طلبانه با آن رو برویند و بخوبی تشخیص داده اند به این دوستی به اصطلاح خاله خرسانه به این الفت چندش آور که داستان صحبت گرگ را به گوسفندان بیاید میاورد. با اعتراضات صنفی و سیاسی - جنبشهای اعتراضی و تظاهرات مخالفت آمیزی که هر روز اوج و شدت و دامنه فزونی می یابد و وحشت و سراسیمگی و تزلزل رژیم را عمیق تر میکند و پاسخ میگویند.

توطئه کاروانسراستکی حادثه بیسابقه ای نبود. یکروز پیش از این صحنه سازی پلید و گرازهای شاه با لباس میدل و با همان شیوه آشنا به استادان و دانشجویان و انبوه مردمی که برای شنیدن برنامه سخنرانی یکی از اعضای گانون نویسندگان ایران به دانشگاه اریامهر آمده بودند حمله کردند. استادان دانشگاه را کتک زدند و دانشجویان را با زند و پنجه به بوکس و چوب و چماق و چاقو به خاک و خون کشیدند و مردم را تار و مار کردند. این بار رژیم مدعی بود که این ارواح خبیثه که انگاری از جهنم بدر آمده بودند تا فرمان ابلیس را اجرا کنند و اعضای حزب سرتاخیز هستند. شاید چنین باشد. در حزب - درباری و جز چاقو کشان حرفه ای و اوپاشان دهان گشاد و شعیان بی مخهای رنگ و وارنگ و تحفه دیگری نیست.

شیوه تور و ارباب تازه ابداع رژیم در سفر شاه به امریکا نیز مورد استفاده قرار گرفت و چهار هزار تن از گروه بانان و رنجرها